

است. امروز بیش از هر زمانی ضرورت مبارزه برعلیه نظم موجود احساس می شود. امروز از آمریکا تا ترکیه، عراق و تونس، فرانسه و لیبی مردم به جان آمده از فقر و گرسنگی به میان آمده اند و بار دیگر برای آزادی، برابری و رفاه آماده مصاف با زورگویان هستند. امروز خاورمیانه و شمال آفریقا به صحنه جدال صفوف بهم فشرده میلیونی گرسنگان علیه دیکتاتورهای اسلامی و نظامی بدل گشته است. زنان بی حقوق، در بند قوانین و سنت های عقب مانده در صفوف اول مبارزه برای یک زندگی شایسته انسانی قرار دارند.

زنان و مردان آزاده!

این روز روز ما آزادیخواهان است! امروز روز به تصرف در آوردن میدانهاست. روز به اهتزاز در آوردن پرچم آزادی، برابری و رفاه است. این روز روز همبستگی جهانی ما انسانهای آزادیخواه است.

۸ مارس امسال باید تبلور همبستگی با جنبش برابری طلب در خاورمیانه باشد. باید بکوشیم به پژواک صدای مردمی که برای آزادی، برابری و رفاه مبارزه میکنند، تبدیل شویم.

۸ مارس، روز جهانی زن، بار دیگر فرصتی برای مبارزه علیه آپارتاید جنسی، برعلیه قوانین زن ستیز اسلامی و در یک کلام روز "نه" به جمهوری اسلامی است. در هر کجا که میتوانید جمع شوید. حجاب ها را به دور بیندازید و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، زنده باد برابری، صدای اعتراض خود را بلند کنید.

ما می توانیم و باید ۸ مارس امسال را به یک روز تاریخی و فراموش نشدنی در سراسر جهان بدل کنیم، روزی علیه نابرابری و فقر و روزی برای یک زندگی برابر و انسانی.

زنده باد آزادی، زنده باد زنده باد ۸ مارس مرگ بر جمهوری اسلامی



۸ مارس، روز نه به آپارتاید جنسی

۸ مارس روز کیفرخواست انسان امروز علیه ستم کشی و فرودستی زن است. روز اعتراض علیه یکی از پایه ترین اشکال نابرابری جامعه سرمایه داری است؛ جامعه ای که بر اساس نابرابری، تبعیض و زن ستیزی استوار است. هر ثانیه در نقطه ای از این جهان زنی قربانی افکار، خرافات و سنت های عقب مانده مذهبی و ملی میشود. تبعیض در بازار کار و دستمزد نابرابر، تجاوز و شکنجه آشکار و نهان، تحقیر جنسی و نابرابری در مقابل قانون، ادامه سنت های عقب مانده در خانواده، عدم دسترسی دختران به آموزش و پرورش، عدم بهداشت کافی، مرگ و میر در اثر زایمان، تنها گوشه ای از وضعیت نابسامانی است که سیستم سرمایه داری برای زنان آفریده است. مذهب به عنوان بخش مهمی از ایدئولوژی حاکم، مبلغ مردسالاری و زن ستیزی است. این دنیا وارونه است.

اما این واقعیت تلخ تنها گوشه ای از یک حقیقت بزرگتر است و آن تلاش بدون وقفه برای یک زندگی آزاد و برابر و بنیاد نهادن یک دنیای بهتر است. تاریخ مبارزه زنان برای حقوق اولیه انسانی خود تاریخی طولانی و پر از فراز و نشیب اما پر افتخار است. باید این تاریخ را و این تلاش را هر روز و هر ساعت ارج نهاد و بر تداوم آن پافشاری نمود.

۸ مارس ۲۰۱۱ را نیز باید به یک روز تاریخی بزرگ در تاریخ بشر بدل نمود. بحران سرمایه داری اگر چه بیش از هر زمانی فقر و تهیدستی را به مردم تحمیل نموده است، اما در عین حال فرصتی مناسب برای واژگونی این دنیای وارونه فراهم کرده



آزادی زن آزادی جامعه

تجارت سکس، برده داری مدرن صفحه ۷	محرومیت زنان در جوامع اسلام زده صفحه ۴	جنبش آزادی زن پیشتان آزادیخواهی و برابری طلبی! صفحه ۲
-------------------------------------	---	--

برای تغییر جهان و احقاق حقوق زنان متحد شوید!



این مقاله در ۸ مارس ۲۰۰۸ منتشر گردیده است و بدلیل اهمیت دیدگاههای آن دوباره منتشر میگردد.

جنبش آزادی زن پیشتاز آزادخواهی و برابری طلبی!

آذر ماجدی

امر برابری زن و مرد امروز یکی از حاد ترین مسائل جامعه بین المللی است. نابرابری زن و مرد یکی از قدیمی ترین و جان سخت ترین تبعیضات مبتلابه جامعه بشری است. جنبش دفاع از حقوق زن بیش از دو قرن است که برای رفع تبعیض از زنان مبارزه میکند. لیکن این جنبش صرفاً موفق شده است که در بخش کوچکی از جهان تبعیضات فاحش علیه زنان را از میان ببرد. هنوز در هیچ گوشه جهان زنان نتوانسته اند به برابری کامل و رهایی دست یابند. اما اگر گوشه کوچکی از جهان به دستاوردهای قابل ملاحظه ای دست یافته است، در بخش اعظم جهان میلیونها زن در اسارت و بیحقوقی کامل بسر میبرند. ابتدایی ترین حقوق نیز از این زنان سلب شده است. زن ستیزی و ستمکشی زن یک وجه شرمناک جامعه معاصر است.

چرا علیرغم نزدیک به دو قرن مبارزه علیه فرودستی زنان، علیه تبعیض جنسی و برای برابری زن و مرد، زنان هنوز در قید تبعیض و نابرابری و در اسارت مردسالاری قرار دارند؟ این سوالی است

که در ذهن هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی نقش می بندد. چه منفعت پایداری فرودستی زنان را لازم و ضروری میسازد. ممکن است استدلال شود که ستمکشی زن به قدمت جامعه بشری است و لذا ذاتی بشر. اما آیا این پاسخی قانع کننده به جان سختی این ستمکشی است؟ بسیاری نهادهای کهن تبعیض، نابرابری و اسارت در طول تاریخ در نتیجه توسعه جوامع و مبارزات جنبش های اجتماعی زائل گشته اند. در طول دو قرن اخیر، با عروج نظام سرمایه داری، بسیاری از نهادهای کهن دست و پاگیر یا غیر ضروری سریعاً در مقابل تعرضات اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی رنگ باخته اند. ستمکشی زن اما در زمره استثناها است. دو قرن مبارزه وسیع، مبارزاتی که بعضاً بسیار گسترده و رادیکال بوده است، موفق به امحای این نهاد ارتجاعی تبعیض نشده است. چرا؟

برای پاسخ به این سوال باید به عامل اصلی یعنی مبانی مادی ستمکشی زن دست برد. پاسخ در نیاز نظام سرمایه داری به این نهاد تبعیض و بردگی است. فرودستی زن مهمترین عامل تفرقه در جامعه بشری است. قرار دادن نیمی از جامعه در مقابل نیمه دیگر، زنان و مردان در مقابل یکدیگر، آسان ترین و قابل توجیه ترین ابزار سرمایه داری برای تشدید استثمار و ممانعت از اتحاد طبقاتی طبقه کارگر است. ایدئولوژی های متفاوتی برای توجیه این فرودستی، ازلی و ابدی جلوه دادن آن، طبیعی قلمداد کردن آن، پذیرش آن توسط نه تنها مردان، که ظاهراً از تداوم آن بهره مند میشوند، بلکه همچنین زنان، که قربانیان آن هستند، شکل گرفته است. مذهب قدیمی ترین و پایدارترین آنها است. اگر هنوز در قرن بیست و یک، دو قرن پس از شکل گیری جنبش های آزادی زن، زنان در قید اسارت مردسالاری قرار دارند، دلیل و عامل را باید در سرمایه و نیاز نظام سرمایه داری جستجو کرد.

همانگونه که ستمکشی زن نهادی کهن و جان سخت است، مبارزه علیه آن نیز سنتی پایدار و قوی است. این جنبش موفق شده است که در پاره ای از جهان دستاورد های با ارزشی در عرصه حقوق زن کسب کند. مبارزه برای حقوق برابر و آزادی زن اکنون به یک وجه پایدار جامعه معاصر

بدل شده است. در بخشی از جهان که زیر سلطه اسلام بسر می برد، وضعیت زنان بسیار وخیم و بعضاً برده وار است. اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش ارتجاعی و زن ستیز هویت و یک رکن مهم ایدئولوژی خود را فرودستی زن قرار داده و حجاب را به بیرق این جنبش بدل کرده است. آپارتاید جنسی بعنوان یک رکن اساسی این جوامع بر زن و مرد تحمیل میشود. جنبش آزادی زن علیه اسلام سیاسی اکنون در ایران به یک جنبش قوی و گسترده بدل شده است. این جنبش میتواند نقشی بسیار موثر در مبارزه علیه اسلام سیاسی، برای سکولاریزه کردن جامعه و مذهب زدایی ایفاء کند. تاثیر جنبش آزادی زن در ایران به چهار چوب مرزهای ایران محدود نمیشود. جنبش آزادی زن در ایران نقش مهمی در رهایی زنان جوامع اسلام زده از زن ستیزی خشن و فرودستی برده وار زن در این جوامع دارد. این رسالت را باید درک کرد و مبارزه برای آزادی زن، برابری زن و مرد و عقب نشاندن اسلام سیاسی را با قاطعیت و جدیت به پیش برد.

۸ مارس یک سنت پایدار در جامعه ایران است. تلاش های رژیم اسلامی برای مقابله با ۸ مارس و جانشینی آن با یک روز اسلامی با شکست مواجه شده است. تلاش های اخیر جنبش ملی - اسلامی برای آفریدن یک روز ملی زنان نیز راه به جایی نبرده است. جنبش آزادی زن در ایران در کنار و در همبستگی با جنبش بین المللی



حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

جنبش آزادی زن پیشتاز آزادیخواهی و برابری طلبی!

حقوق زن در جهان ۸ مارس را گرامی میدارد. ۸ مارس اکنون به یک روز مهم و شناخته شده برای مردم ایران بدل شده است. رژیم اسلامی از مدتی قبل به استقبال آن میرود. سال گذشته در بسیاری از شهرها نیروهای سرکوب تمام قوای خود را برای ممانعت از برگزاری این روز بکار گرفتند.

امسال در آستانه صدمین سالگرد ۸ مارس جنبش حقوق زن در شرایطی قرار دارد که کلیه تشریفات و وب سایت های "قانونی" زنان ممنوع شده است، تعدادی از فعالین زن در اسارت بسر میبرند، بسیاری از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در زندان

زیر شکنجه اند، رهبران کارگری در اسارت اند. باید بکشیم که ۸ مارس امسال را به روزی برای آزادی و برابری تمام این زندانیان سیاسی بدل کنیم. جنبش حقوق زن باید در پیشاپیش جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی مردم ایران قرار گیرد. این جنبش قابلیت های بسیاری برای تحقق این امر داراست. ۸ مارس امسال را به روز آزادی و برابری جامعه بدل کنیم. جنبش آزادی زن تنها در یک جامعه آزاد و برابر به خواست های خود دست میابد، جامعه ای آزاد از سرکوب، اختناق و تبعیض اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. در آستانه صدمین سالگرد ۸ مارس صفوف خود را هر چه محکمتر، عزم خود را راسخ تر و تلاش خود را صد چندان کنیم.

آذر ماجدی



سالها گرفته می شود، گاهی هیچ وقت، هیچ وقت ترمیم نمی شود.

خشونت دست سنگین پدری است که بر صورت دخترک ۹ ساله اش بلند می شود اما فرود نمی آید. خشونت گردنکشی برادری است که نگاه پسرک معصوم همسایه را کور می کند و خواهر را ناامید می کند از عشق پاک و دیوار به دیوار همسایگی. خشونت آروغ زدن های شوهر است به جای دستت درد نکند برای دستپخت عالی یک صبح تا ظهر حبس شدن در آشپزخانه. خشونت قانون نابرابر حق قیومیت پدربزرگی است که در فقدان پدر، صاحب بلامنازع نوه ی دختری اش می شود بی اینکه حضور مادر در جایی دیده شده باشد. خشونت حق ارثی است که پس از مرگ پدر به تو داده می شود نیم آن چیزی که برادرت می گیرد و تازه منت بر سرت می گذارند که نان آور خانه ات دیگری است. خشونت مانیم که اعتراض نمیکنیم.

را فلان، عمه اش را بیسار "هایی است که به شوخی و جدی به هم و به دیگران می گوئیم. خشونت، آزار و تحقیر همان "زن صفت، مثل زن گریه می کردی"هایی است که بچه هایمان از خیلی کودکی یاد می گیرند.

خشونت، آزار و تحقیر پله های بعدی نردبانی هستند که پله ی اولش با فلانی و بیساری معاشرت نکن چون... فلان لباس را نپوش چون... است. چون هایی که اسمشان می شود "عشق". عشق هایی که می شوند ابزار کنترل. که منتهی می شوند به زنانی بی اعتماد به نفس، بی قدرت، غمگین، تحقیر شده، ترسان، وابسته، تهدید به ترک شده و شاید کتک خورده که فکر می کنند همه ی زخم هایشان از عشق است. که مرد عاشق زخم می زند و زخم بالاخره خوب می شود.

خشونت زنی است که زیر نفس های آغشته به بوی الکل مردش تظاهر به لذت می کند و فکر می کند قاعده ی بازی همین است. خشونت توجیه آزار روحی، کلامی،

جسمی و جنسی مردی است که مست است. مستی انگار عذر موجهی باشد برای ناموجه ترین رفتارها. می دانید؟ کتک بدترین نوع خشونت علیه زنان نیست. کبودی و زخم و شکستگی خوب می شوند. قدرت و شادابی و باور به خویش، که از زن در طول ماهها و

زخمی که نمی بینیم

نویسنده: ناشناس

می دانید؟ خشونت همیشه یک چشم کبود و دندان شکسته و دماغ خونی نیست. خشونت، تحقیر و گاهی آزار یک نگاه است. نگاه مردی به یقه ی پایین آمده ی لباس زنی وقتی که دولا شده و چایی تعارف می کند. نگاه برادری است به خواهرش وقتی در مهمانی بلند خندیده. نگاهی که ما نمی بینیم. که نمی دانیم ادامه اش وقتی چشم های ما در مجلس نیستند چیست. ترسی است که آرام آرام در طول زمان بر جان زن نشسته.

خشونت بی کلام و بی تماس بدنی مردی است که در را که باز می کند زن ناگهان مضطرب می شود، غمگین می شود. نمی داند چرا. در حضور مرد انگار کلافه باشد. انگار خودش نباشد. انگار بترسد که خوب نیست. که کم است. که باید لاغرتر باشد، چاق تر باشد، زیباتر باشد، خوشحال تر باشد، سنگین تر باشد، سکسی تر باشد، خانه دارتر باشد، عاقل تر باشد. خشونت آن چیزی است که زن نیست و فکر میکند باید باشد. خشونت آن نقابی است که زن می زند به صورتش تا خودش نباشد، تا برای مرد کافی باشد. مرد می تواند زن را له کند بدون اینکه حتی لمسش کند. بدون اینکه حتی بخواهد لهش کند. این ارث مردان است که از پدران پدرانشان بهشان رسیده.

خشونت، آزار و تحقیر امتداد همان "مادر جنده ها، جنده ها، خواهر جنده ها، مادرش



نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

محرومیت زنان در جوامع اسلام زده



مصاحبه با نسرين رضاعلی
عضو شورای مرکزی سازمان
آزادی زن

جامعه، یعنی زنان را به گوشه خانه بفرستد. تعرض همه جانبه به زنان راهی برای بقاء و تحکیم حاکمیت ارتجاعی بود. حکومت اسلامی با اجرای قوانین اسلامی در ایران زنان را از ابتدائی ترین حقوق شهروندی محروم کرد.

آزادی زن: چندین تشکل مستقل کارگری ایران در بیانیه‌ای مشترک خواستار آن شدند که حداقل دستمزد هفت میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر متناسب با تورم موجود و احتساب «تامین شرافتمندانه هزینه «یک خانوار چهار نفره» در شرایط اقتصادی کنونی» تعیین شود. موقعیت دستمزد زنان کارگر چگونه است و تفاوت دستمزد در چه حدی میباید؟

نسرين رضاعلی: اجازه بدهید ابتدا یک تصویر عمومی از موقعیت کار و زندگی زنان در ایران ارائه بدهم. بدین ترتیب بهتر و راحتتر می توانیم به موقعیت دستمزد زنان بپردازیم. رژیم اسلامی از بدو سرکار آمدن تلاش کرد نیمی از

پیاده کند: پارک برای زنان، اتوبوس برای زنان، بانک برای زنان. اینها اقداماتی برای به عقب کشیدن جامعه و تعرض به جنبش آزادی زن و عقب راندن زنان است.

اما به سوال اصلی شما، وضعیت دستمزد زنان بپردازم. زنان بطور عموم در بخش خدمات اجتماعی شاغل هستند. حقوق زنان چندین برابر کمتر از همکارن مرد خود در همان رشته کاری است. قریب به اتفاق زنان شاغل بدون قرارداد و بطور موقت کار می کنند و از هر گونه بیمه درمانی و حق بازنشستگی و غیره محروم هستند. بعضاً حق بیمه از حقوقشان کسر می شود اما هیچوقت پرداخت نمی شود. اکثر زنان شاغل زمانی متوجه این دزدی می شوند که برای بیمه بیکاری یا درمانی مراجعه می کنند و با این پاسخ روبرو می شوند که "بیمه شما رد نشده است."

بطور مثال بخش درمانی را در نظر بگیرید. اکثریت پرستاران و کادرهای اداری بیمارستان ها، بهداری ها، مطب ها و کلینک های خصوصی زن هستند. حقوق این بخش بسیار پایین است. بعضاً زنان شاغل در این بخش می گویند که حقوقشان فقط هزینه ایاب ذهاب را تامین می کند. دلیل بخشی از زنانی که با این حقوق ناچیز حاضر به کار کردن می شود، حضور در اجتماع است. زنان سرپرست خانواده از شرایط بسیار دشوارتری برخوردارند.

رژیم اسلامی و قوانین پوسیده آن و سنتهای عقب مانده را به مصاف طلبیده است.

امروز ما شاهد حضور زنان در عرصه های سیاسی اجتماعی و فرهنگی هستیم. زنان تلاش کرده اند در ابعاد گسترده به دانشگاهها بروند و حتی با تحمیل به رژیم اسلامی توانستند در رشته هایی که تحصیل زنان در آنها ممنوع اعلام شده بود، وارد شوند. زنان ایران هیچگاه به شرایط عقب مانده ای که رژیم اسلامی به آنها تحمیل کرده است، تن ندادند. جنبش حقوق زن یک تلاش همه جانبه را برای دستیابی به حقوق برابر در سطوح مختلف سازمان داده است. زنان موفقیت هایی بدست آورده اند. رژیم را مورد تعرض قرار دادند. در نتیجه این جنگ دائمی، جنبش آنها قدرتمند تر و رژیم اسلامی ضعیف تر شده است. در

واقعیتی تلخ در جوامع اسلام زده حاکم است: زن بعنوان یک انسان به رسمیت شناخته نمی شود.

مبارزات توده ای اخیر زنان در صف اول مبارزه قرار داشتند.

باید گفت که سیاست رژیم برای خانه نشین کردن زنان با شکست روبرو شده است. رژیم اسلامی هنوز می کوشد که جدا سازی زنان و مردان در اماکن عمومی و سیاست تمام عیار آپارتاید جنسی را در جامعه

بیش از ۳ دهه است که زنان برای حقوق خویش مبارزه می کنند و می کوشند که سیاست های ارتجاعی رژیم را عقب بنشانند. این تلاش و مبارزه بویژه بعد از اتمام جنگ ایران و عراق گسترش یافته است. مبارزه زنان در ایران هر روزه در جریان بوده است. جنبش حقوق زن هر روزه

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

خوانندگان گرامی می توانند با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنند. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

شما در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته را نیز بخوانید.

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

برای اعمال تبعیض و استثمار خشن تر به زنان مورد استفاده قرار می دهند. با این استدلال که آنها بخاطر مسئولیت خانه و فرزندان قادر نیستند که تمام خلاقیت شان را در کار مورد استفاده قرار دهند. ضمناً این نقش زنان بعنوان یک عامل تهدید به اخراج همواره بالای سرشان گرفته میشود. عموماً زنان کارگر مجبوراند که در زمان بیماری خود و فرزندان کماکان کار کنند. در یک کلام ستم بر زنان چند برابر از کارگران مرد در محیط کار است.

با همین بررسی ساده متوجه می شویم که سرمایه داران چگونه از تبعیض جنسی در جامعه بهره می گیرند و از نیروی کار زنان چه سودهای کلانی به جیب می زنند. بارها شاهد بوده ایم که حتی کارفرماها، با کمال بی شرمی اینگونه وانمود می کنند که دارند به زنان لطف می کنند که آنها را استخدام می کنند. حقوق زنان کارگر با تاخیر فراوان پرداخت می شود. و اگر این کارگران به تاخیر در پرداخت دستمزد اعتراض کنند، پاسخ می گیرند که "مردان زیادی هستند آرزو دارند شغل شما را داشته باشند همین است که هست باید صبر و روحیه سازکارانه داشته باشید.

زن بودن یعنی دارای حقوق نصف مرد؛ یعنی فرودستی در محیط کار؛ یعنی جنس دوم بودن؛ یعنی استثمار بیشتر.

آزادی زن: بسیاری از مردان کارگر برای تامین مخارج زندگیشان مجبور به چندین شیفت کارکردن و یا کارهای جانبی هستند. زنان کارگری که به تنهایی سرپرستی خانواده

در تشکلهای واقعی کارگری است. این یک شرط لازم اعمال اراده و دستیابی به یک زندگی بهتر و شایسته انسانیت قرن بیست و یک است. پیش بسوی ایجاد مجامع عمومی و ایجاد شوراها باید به یک شعار اصلی طبقه کارگر بدل شود.

زن بودن یعنی دارای حقوق نصف مرد؛ یعنی فرودستی در محیط کار؛ یعنی جنس دوم بودن؛ یعنی استثمار بیشتر

آزادی زن: چه عواملی بر تعیین دستمزد زنان تاثیر میگذارد؟

نسرین رضاعلی: واقعیتی تلخ در جوامع اسلامزده حاکم است: زن بعنوان یک انسان برسمیت شناخته نمی شود. بنابراین صرف عامل زن بودن کافی است که زنان شاغل از شرایط حقوقی پایین تر برخوردار شوند. دستمزد زنان به نسبت همکاران مردشان پایین تر است. فرضا کارگران زن در کوره پزخانه ها همانند مردان کار سنگین جسمی انجام می دهند اما در پایان حقوق زنان را بمیزان نصف حقوق مردان پرداخت می کنند، و آنرا حتی به خودشان نمی دهند، بلکه به همسرانشان می پردازند.

بخشی از حقوق شاغلین زن توسط شرکتهای کاریابی بالا کشیده می شود. در جوامع سرمایه داری و بخصوص جوامع اسلامزده با حکومتهای ضد زن و دیکتاتوری، نه تنها زنان را مورد استثمار شدید تر قرار می دهند، بلکه از آنها بعنوان یک عامل تفرقه در میان طبقه کارگر استفاده می کنند. نقش مادری زن و تقسیم کار در خانواده را به عاملی

بجان هم می اندازند و بر اساس این تفاوت ها حقوق کمتری به کارگران پرداخت می کنند. این تقسیم بندی راهی است برای استثمار بیشتر کارگران و سودهای هنگفت تری به جیب زن.

این تلاش سرمایه داری است که بر پیشانی انسانهای تحت

استثمار مهر های مختلف بکوبد، تا این طبقه بعنوان یک تن واحد ظاهر نشود. حکومتهای سرمایه داری بخوبی تشخیص داده اند که با اتحاد طبقه کارگر مرگشان فرامی رسد. میلیاردها هزینه تفرقه اندازی و سرکوب طبقه کارگر می شود. مهندسی افکار عمومی، توطئه، ساختن زندان و شکنجه گاه در خدمت جلوگیری از اتحاد طبقه کارگر مورد استفاده قرار می گیرد.

این یک امر ضروری است که ما بعنوان یک طبقه واحد حول ایجاد مجامع عمومی و شوراهای واقعی خویش مبارزه کنیم. طبقه کارگر در ایران باید بیش از هر زمانی امر متحد شدن را در دستور کار خود قرار بدهد. شرط پیروزی و رسیدن به خواستهای برحقمان در گروه متحد شدن

این بخش از زنان مجبور به گرفتن شغل های دوم هستند. و متأسفانه مواردی که زنان مجبور می شوند برای سیر کردن شکم خود و فرزندان شان به تن فروشی روی آور شوند، کم نیست. موارد زیادی هست که کارفرما زنان متخصص و کارگران زن حرفه ای را استخدام می کند، اما حقوقی که به آنها پرداخت می کند از همان حداقل دستمزد هم کمتر است. حق اضافه کاری، شیفت شبکاری، عیدی و پاداشت هم خیری نیست. موقعیت شغلی زنان بر اساس تخصص، حرفه و رشته تعیین نمی شود، بلکه بر اساس کاری که کارفرما طلب می کند تعیین می گردد.

این یک تصویر کلی از وضعیت شغلی و حقوق زنان شاغل در ایران است. طرح خواست افزایش دستمزد به نسبت نرخ تورم یک خواست برحق همه کارگران در ایران است و باید برای دستیابی به آن تلاش گسترده ای را سازمان داد. کارگر زن و مرد باید بعنوان یک طبقه ظاهر شوند و مبارزه برای افزایش دستمزد را در دستور کار خود بگذارند. سرمایه داران و نظم سرمایه داری می کوشد کارگران را به دسته های مختلف تقسیم کند و میان آنها تفرقه بیاندازد. در ایران کارگر خارجی و ایرانی؛ بومی و غیر بومی، تحصیل کرده و نکرده، زن و مرد را



رهائی زن همین امروز!

شوند و به کارهایی از قبیل دستفروشی، گل فروشی، پاک کردن شیشه ماشین وسط خیابان گمارده می شوند. دولت در مقابل مادرانی که سرپرست خانواده هستند هیچگونه مسئولیتی تقبل نکرده است. ■



هایشان را بعهده دارند، چگونه میتوانند در آمد کم خود را جبران کنند؟ پدیده کارهای جانبی در میان زنان چگونه است و با توجه به اینکه زنان مسئولیت فرزندان و خانه را هم دارند چگونه این امر پیش می رود؟

نسرین رضاعلی: زنان از موقعیتی بسیار ناهنجارتر از همکاران مردشان برخوردار هستند. بخاطر زن بودن حقوقشان کمتر است و برای تامین زندگی فشار بیشتری را تحمل می کنند. عموماً کارهای جانبی که زنان انجام می دهند، کار در منازل مردم، پرستاری از سالمندانی است که در خانه نگهداری می شوند یا دستفروشی در گوشه خیابان است. متأسفانه بخشی هم مجبور می شوند برای تامین زندگی تن فروشی کنند. در این جامعه فقر زده تحت سرکوب اسلامی، فروش کلیه هم راه دیگری برای تامین زندگی شده است. بعضاً زنان مجبور می شوند برای تامین معاش تن به ازدواجهای اجباری دهند.

زنان سرپرست خانواده عموماً مجبور می شوند که کودکانشان را هم به امر تامین معاش بکشانند. این کودکان از تحصیل محروم می

اخیر و تجمعات اعتراضی ماههای گذشته بسیار چشمگیر بوده است. زنان در حرکات اعتراضی اخیر شجاعانه در صحنه مبارزه با اختناق و سرکوب شرکت کرده و همواره نشان دادند که اگرچه جمهوری اسلامی با در بند کشیدن و اعدام زنان مبارز سعی در خاموش کردن جنبش آزادی زن را داشته، اما موفق نشده و زنان همچنان فعال تر از گذشته در صحنه مبارزه علیه تبعیض و نابرابری حضور دارند.

با نزدیک شدن ۸ مارس اعتراضات به جمهوری اسلامی که مسبب این نابرابری است افزایش می یابد. اما ۸ مارس امسال با در نظر گرفتن اتفاقات در کشورهای شمال افریقا و کشورهای همسایه از ویژه گی خاص خود برخوردار می باشد. ۸ مارس امسال را باید باشکوه تر از هر سال و با ایجاد صفی متحد و قوی برگزار کرد. زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در ایران، خواستار یک جامعه آزاد و برابر هستند و تا دستیابی به این مهم از پا نمی نشینند.

زنده باد جنبش آزادیخواه و برابری طلب زنان

زنده باد آزادی! زنده باد برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

۲ مارس ۲۰۱۱

بعنوان پرچم جنبش ارتجاعی اسلامی وضد زن اولین اقدام در جهت تبعیض و نابرابری زنان بود. آپارتاید جنسی بعنوان سیستمی عقب مانده و تبعیض گرا اقدام بعدی در جهت جدا سازی زن و مرد در جامعه اسلامزده ایران شد. رژیم اسلامی قادر شد دریا را هم زنانه مردانه کند. اما اکنون پس از گذشت بیش از سه دهه از عمر ننگین این رژیم، جنبش آزادی زن به شکلی گسترده در جامعه فعال است و به طور روز افزون توده ای شده است.

به همین دلیل لغو حجاب اسلامی بعنوان پوششی اجباری و لغو آپارتاید جنسی در همه ابعاد آن به کف مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران بدل شده تا بتوانند بر خرابه های رژیم اسلامی دنیایی بهتر بنا کنند.

لغو تمام قوانین مذهبی، مبارزه فعال با خرافات و سنن مذهبی و خواست یک نظام سکولار در راس مطالبات جنبش مردم برای آزادی و برابری قرار دارد.

انسانهای آزادیخواه به خوبی میدانند که رسیدن به این مطالبات در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. حضور زنان در اعتراضات گسترده مردم در سالهای



جنبش آزادی زن و ۸ مارس

علی حسینی

جمهوری اسلامی در ابتدای حیات ننگین خود قادر شد جنبش آزادی زن را در ابعاد گسترده ای سرکوب کند. حجاب اسلامی



زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

تجارت سکس، برده داری مدرن



شهلا نوری

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، جنبش حقوق زن در سراسر جهان برای گرامیداشت این روز تدارک می بیند و همگان را به گرامیداشت این روز فرامی خواند. جنبش رادیکال آزادی زن فعالانه برای تغییرات بنیادی در جامعه بمنظور رفع ستم بر زن مبارزه می کند. می کوشند پایه ستمکشی زن را توضیح دهند و صرفاً به مبارزه برای برخی حقوق جزئی قناعت نمی کنند. آنها بر ضرورت سرنگونی سرمایه داری برای دستیابی به آزادی و برابری واقعی زن تاکید می کنند؛ بر استثمار خشن زنان کارگر در سراسر جهان، بر شرایط سخت و نابرابر کار و زیست آنها انگشت می گذارند.

ستم و استثمار خشن زنان به همینجا ختم نمی شود. در آستانه قرن بیست و یک، بردگی جنسی زنان توسط سودجویان و باندهای مافیایی ابعادی وحشتناک یافته است. بازار کالای سکس تحت قوانین وحشیانه جنگل هر سال میلیون ها زن و

کودک را به کام خود می کشد. این کالا در مقیاس جهانی میلیاردها دلار به جیب سرمایه جهانی میریزد. توریسم برای سکس به یک بازار جدی سودجویی و استثمار بدل شده است. محل توزیع این کالا میکده ها، سالنهای ماساژ، "خانه های فحشا"، سالنهای رقص، هتل های بین المللی و قمارخانه ها است. این زنان و کودکان که قربانی فقر و فلاکت و ناامنی ذاتی نظام سرمایه داری هستند، ضربه پذیرترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر را تشکیل می دهند.

بخش اعظم این زنان و کودکان که به بازار پر رونق برده داری مدرن کشیده شده اند، زیر کنترل شدید دلالان بازار سکس قرار دارند. این بردگان باید سالها "کار" کنند تا باصطلاح هزینه های مؤسسه های مربوطه را تسویه کنند. اینها هیچگاه از این بردگی رهایی نمی یابند. بسیاری در عنفوان جوانی، از بیماری، اعتیاد، خشونت های وحشیانه، افسردگی که ناشی از وضعیت برده وار شان است، جان می بازند. در کشورهایی که تن فروشی قانونی است، این اسیران دلالان سود پرست، در هراس از پلیس بخاطر وضعیت مهاجرت غیر قانونی حتی از کمک های بهداشتی و درمانی که تن فروشان دیگر برخوردارند، محروم هستند.

باید این نظام برده داری نوین را متلاشی کرد. باید با تمام دلالان سکس و باندهای

مافیایی که زنان و کودکان را به اسارت می کشند به قاطعانه ترین شکل مقابله شود. باید تن فروشی غیر جنایی شود و دولت ها کمک های مالی، اجتماعی و آموزشی و حقوقی در اختیار این قربانیان قرار دهند. تن فروشان باید از کمک و پشتیبانی دولتی برخوردار شوند و دلالان و سودجویانی که این انسان های بی پناه را به اسارت و استثمار می کشند مورد مجازات قانونی قرار گیرند. باید با سرنگونی سرمایه داری پایه مادی عرضه و تقاضای سکس در بازار را از میان برد.



۱مارس ۲۰۱۱

نقل از نشریه "یک دنیای بهتر" شماره ۱۹۲

http://www.wupiran.org/nashryeh_HTML/nashryeh_192.html



سرکوب زنان ممنوع!

سازمان آزادی زن

Women's Liberation - Iran



در مرکز شهر گوتنبرگ از شما دعوت می کند تا در صفوف هرچه وسیعتر به خیابان بیاییم و فریاد بزنیم: ستم بر زن موقوف! آپارتاید جنسی ملغی باید گردد! زنده باد آزادی زن! زنده باد برابری زن و مرد! رژیم آپارتاید جنسی سرنگون باید گردد!

زمان: ۸ مارس ۲۰۱۱

مکان: گوتنبرگ سوئد، برونز پارکن، جنب مجسمه یوهانا

از ساعت ۱۶ - ۱۸

تلفن تماس: ۰۷۳۷۲۶۲۶۲۲ شهلا نوری

سازمان آزادی زن و خانه مدوسا

زنده باد ۸ مارس، زنده باد آزادی زن، ستم بر زن موقوف!

در آستانه ۸ مارس ۲۰۱۱ روز جهانی زن، روزی دیگر در جهت مبارزه برای آزادی زن در سراسر جهان و بخصوص ایران قرار داریم. آپارتاید جنسی، حجاب اسلامی و بی حقوقی زنان رکن اصلی حکومت اسلامی در جهت سرکوب سیستماتیک زنان ایران است. مبارزه برای آزادی زن امر فوری تک تک ما در خارج کشور است.

سازمان آزادی زن طبق سنت هر ساله با برپایی میز اطلاعاتی و پیکت اعتراضی



آدرس: ویکتوریا هوست جنب سینما هاگا

واقع در Linnegatan ۲۱

تلفن تماس: ۰۷۳۷۲۶۲۶۲۲

مسئول خانه مدوسا: شهلا نوری

اطلاعیه خانه مدوسا

بدینوسیله به اطلاع می رسانم که خانه مدوسا بعد از ۵ سال فعالیت خود در شهر گوتنبرگ سوئد در سالنی بزرگتر و مجهزتر از سابق در اختیار شما دوستان عزیز قرار دارد.

سالن جدید خانه مدوسا به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن افتتاح می گردد.

مقدم شما عزیزان را گرامی می داریم

۸ مارس ۲۰۱۱، من مطمئنم با شما هستیم! با هم برای آزادی مبارزه کنیم!
با احترام فراوان! شما زنی فوق العاده هستید!

http://www.youtube.com/watch?v=6O_LjKb8pJI



ترجمه نامه یک انقلابی مصری به آنر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن پس از دیدن ویدئوی ایشان در یوتوب

آنر عزیز

ویدئوی پر شور شما مرا بسیار تحت تاثیر قرار داد! از تلاش شما متشکرم! درست است! حق با شماست! ما در مصر نمیتوانیم به کسی از داخل رژیم اعتماد کنیم! نه به نخست وزیر، نه به ارتش! وضعیت درهم برهم و مشکل است! هنوز انقلاب ما در جریان است! بلی همه ی منطقه خاور میانه در حال جوشش است! باور من این است که مردم امیدوارند! ما مصریها بعد از پیروزی تونس ها امیدوار شدیم و کارها پیش میرود!

- درست است، دیکتاتورها موفق شدند بین ما جدائی بیاندازند! اما زیبایی انقلاب این است که ما همگی با هم بر علیه فساد و ... ایستادیم! آری آزادی جامعه با آزادی زنان در جامعه اندازه گیری میشود، کاملاً درست است!

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

parvinkaboli@yahoo.se

esmail_owji@yahoo.com

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی:

هیئت تحریریه نشریه پروین کابلی و

اسماعیل اوچی